



دلووشتہ

تمنا سیر

تمنا ی شب

غزالہ طبا طبا یی

طراح: ثمین سعیدی نیا


cafewriters.xyz

سایت و انجمن کافه نویسندگان با هدف ترویج فرهنگ کتابخوانی و ارتقای سطح فرهنگی و رشد سطح علم و ادبیات جامعه، بر طبق شئون اخلاقی، فرهنگ خانواده های ایرانی و با احترام به عرف حاکم بر کشور تاسیس گردید، تا بتواند فضایی سالم و فرهنگی را برای علاقه مندان به رمان و کتاب ایجاد کند.

تمامی حقوق سایت و انجمن نزد کافه نویسندگان محفوظ است. هرگونه کپی برداری از کتاب ها و رمان ها ، فایل های صوتی ، جلد کتاب ها و ... مجاز نمی باشد. همچنین نشر مجدد محتویات انجمن و سایت در رسانه ها ، اپلیکیشن ها و سایت های دیگر کاملاً غیر مجاز بوده و تیم کافه نویسندگان راضی به این کار نمی باشد. در صورت عدم رعایت قوانین، تیم کافه نویسندگان با فرد خاطی از طریق مراجع قانونی برخورد خواهد کرد.



اطلاعات اثر

دسته بندی: دلنوشته

عنوان: تمنای شب

نویسنده: غزاله طباطبایی

ژانر: عاشقانه، تراژدی

انتشارات : کافه نویسندگان

شناسنامه‌ی اثر

ناظر: تیم ناظران کافه نویسندگان

ویراستار: رز سیاه

طراح: ثمین سعیدی نیا

کپیست: آناهیتا



cafewriters.xyz

مقدمه:

در غوغای بی‌هیاهوی دلم،
تاریکی، حرف‌هایی نانوشته‌ای برای گفتن دارد!
دلم می‌خواهد.

شمعی روشن کنم تا گرمایش را،
با همه وجودم احساس کنم.

لعنت به این تاریکی...

لعنت به تمنای شب...

لعنت... .

شعرهایم، نوشته‌هایم، خاطراتم
همه در دور دست‌ها، مثل پرندگان در پروازند.
آری خسته‌ام! اما به نرمی، لبخند بر لبانم جاری می‌شود.
در تن چشمانی برای خواب.
در روح تمنایی برای پرستیدن.
چشمانت را نبند!
صندوقچه‌ی عافیت من؛ گویی به تمنای چشمان توست.

دست‌های تو؛

درختانِ سرخ و زرد را به تصویر می‌کشد.

رفتی و شکستی دلِ رنجیده‌ی ما را.

رفتی و گذشتی ز اوج تمنا؛

بی‌هیچ نشانه‌ای.

بی‌تو! با تو بودن را تمنا کردم.

نبودت را هزاران بار مرور کردم.

ساعت به ساعت، سال به سال.

بی‌تو؛ گریه‌هایم را یک عمر نگاه کردم.

خوبیسنندگان

همیشه از قصه‌های هزار و یک شب یاد می‌کنند؛

قصه‌های دل خسته.

غم‌های خفته در خاک.

برگ‌های شکسته، در دستان سرد.

صورت‌های گریان امّا، خندان.

ای بهترین آرزو؛ تو را از خدا درخواست کردم.

من!

دل‌باخته‌ای عصیان.

آشوب‌گری از جنس تمنا.

تو عاشق باش؛ من معشوق.

با لباسی زیبا، لبخندی دل‌نشین.
خاطرات تو را به دست، برف‌های زمانه می‌سپارم.
غافل از همه چیز و همه کس!
لذت شادی‌هایمان را به چشمانت گره می‌زنم.
اجازه می‌دهم گیسوانم؛
به دست بادهای زمستانی رهسپار شوند.
با دست‌هایم صورت نرم و بارانیات را نوازش می‌کنم تا شاید؛
خودم غرق ساعت‌های زمانه شوم.
ساعت‌های زمانه بی‌زمانه.
رهسپار اما افتاده.
گم گشته اما ویران.

زمانه مرا در خیالاتم غرق می کند!

دنیا مرا ویران می کند.

چشم‌هایم مرا عصیان و زبانهم حیرانم می کند.

گذشتی؛ چه ساده!

برای همین است که می گویم:

« قلبم تمنای وجود تورا پریشان می کند »

نویسنده: غزاله طباطبایی

خاطرات چه شنیدنی هستند!

گویی می‌توانند همانند، سیاه و سفید باشند. خاطراتم را به دست آب سپردم تا شاید، شعله‌ی آتش وجودم کم‌رنگ‌تر شود.

گریه‌های من در وجود تو زیستن را آموخته، اما مرگ را خیر!

تو را به دست خداوند می‌سپارم؛ تا شاید

معجزه‌ای رخ دهد، حال درک می‌کنم که تو، از اول همان مسافری بودی که در خاطرات گذشته‌ام غرق شدی،

همان مسافر بازمانده؛

با خاطراتی از خلوص تمنا.

قبل تو این چنین نبودم!

عاشق ترین نبودم!

اصلاً نمی دانم که بودم! اما می دانم که اسیر بودم.

با من چه کرده ای که جانم به لبم رسیده، دیوانه شده ام، دیوانه ای همچو زندانی در قفس هایی ننگین.

می دانم که این چنین نبودم،

تاریک و پر تمنا نبودم.

نویسنده: غزاله طباطبایی

زندگی مرا به سوی تقدیر سوق می دهد.

تقدیر را چه معنا می کنند؟

موی سپید مادر یا دستان پیله بسته‌ی پدر را!

تقدیر را ساختن نمی خواهد، قضاوت هم نمی خواهد.

صبر می خواهد.

غزاله طباطبایی
نویسنده زندگی‌ان

جلوی آینه که می‌روم. تنهایی‌ام را در دو قسمت جست‌وجو می‌کنم!
هرچه در آن است منم، و هر چه در من است در درون توست.
در آینه جز من نیست. ...

تاریکی چه زیباست!
زمانی که باور کنی قصه‌های شبانه‌ی آینه را.

نویسنده: غزاله طباطبایی

باید به فکر تنهایی خود باشم!

دستش را بگیرم و از خانه بیرون برویم. ...

چگونه دم از تنهایی زنم! وقتی که لحظه لحظه‌ی عمرم آکنده از عطر خیالات توست؟!!

من تنها نیستم! این تنهایی من است که تنهاست!

این داستان تمنای تنهایی من است.

نویسنده: سید محمد...

گاهی باید به دور خود یک دیوار تنهایی کشید. دیواری که بوی ناامیدی و پنجره‌هایش، حسرت را به نمایش می‌گذارند!

نه برای این که دیگران را ز خود دور کنم.

بلکه نظاره‌گر باشی؛ چه کسی برای نجات!

دیوار را آوار می‌کند.

آیا می‌کند؟

اگر نمی‌دانی، من هم نمی‌دانم.

دانسته‌های من غرق در دانسته‌هایم شده.

و تمنای وجودم را چو ستایش دست‌هایم نوازش می‌کند.

سیاه، مثل شب تار که دیوانه‌ام می‌کند!

خشم درونم را نوازش می‌کند.

اشک‌هایم را آرام می‌کند و آشوب قلبم را خاموش.

دلم جز این تمنّا هیچ از تو نمی‌خواهد!

هیچ... هیچ...

سازمان
دفتر دبیران

من عاشق بودم اما؛ خودم نمی دانستم!

غرق در لحظات خود بودم، گویی انتظارش را داشتم که نمی دانستم.

چه قدر عجیب است این حس و حال من؟

شاید هم؛ گمشده بودم!

اسیر جاده بودم، شاید هم نامرد نانوشته بودم و نمی دانستم.

نویسنده: غزاله طباطبایی

قلبم هر ثانيه، تو را تمنّا مي‌کند، با فروغ اخلاص تو ديروز و امروز مي‌کند.

آن شب، زير باران ز حال و هواي تو جانم را گلوله باران مي‌کند.

بارها و بارها در پشت اشک‌هايم مي‌خنديدم بي صدا.

همانند سنگ؛ خود را خفقان و صعب‌العبور مي‌کنم.

کافه نویسندگان

در زمانی زندگی می‌کنم که حرفی برای گفتن ندارد!

سیاه است و بیهوده.

افکار پوچ و بی‌هدف و سخنانی که بی‌اجازه ورد زبان می‌شوند.

آری زبان!

اما نه زبان حرف‌ها بلکه؛ زبان دل که گویی تقلا می‌کند. تا شاید امیدی

برای زنده نگه‌داشتن خود داشته باشد.

زبان چشم، که همانند برف پاک و بی‌گناه

است، و تنها امیدش برگشت و دیدن لبخند او غرق در شادی‌اش می‌کند.

زبان قلب، که با تپیدن معلوم می‌کند. مدت‌هاست که در تمنای گریزان از آشنا و غریبه‌هاست.

این است زندگی آدمیان در جهان خلقت.

داستان زندگی من، همانند داستان آدم برفی‌های قصه‌هاست!

چه خوب است قصه‌های شبانه که مرا یاد آور

گذشته‌ام می‌کند.

تا به حال فکر کرده‌ای که گذشته چه معنایی برایت دارد؟

تا به حال فکر کرده‌ای که گذشته زندگی قبلت را ساخته و آینده‌ی تورا از خلسه‌ی تاریکی نجات می‌دهد؟

خلسه‌ی تاریکی، همان تمنای گذشته‌ی توست که می‌خواهد بداند.

آیا فکر کرده‌ای یا خیر؟

این ساعت‌ها،

این ثانیه‌ها،

این روزها،

احساس می‌کنم که وجودم با قهوه‌ای تلخ هیچ فرقی ندارد!

تلخ فکر می‌کنم.

تلخ مداد به دست می‌گیرم.

و تلخ می‌نویسم.

دیگر می‌خواهم دست بردارم از توجه‌های بی‌دلیل، به حضور آدم‌ها،

که آغوش خیالی‌شان مرا آزرده خاطر می‌کند.

می‌خواهم بوسه‌ای زنم،

بر روی پیشانی تاریکی‌ام؛

که تمنای شب‌های این سال‌هایم را

یادآوری می‌کند.

چه خیره کننده است.

این آسمان شب که ماهش درخشان است.

چشم‌هایم را می‌بندم، می‌اندیشم، دلتنگ می‌شوم و زمزمه‌وار می‌گویم:

در این آرامش بی‌صدای شب،

چه بسیارند دل‌هایی که پر از اضطراب‌اند، پر از خاطرات‌اند.

خاطرات شیشه‌ای، که همیشه یادآور می‌شوند، که یک نفر کنارم بود.

چه خیره کننده است این شب!

که تمام روز را برایش بی‌قرارم.

حقیقتی تلخ که آدم‌ها برای انکار کردنش

خود را غرق در تمنای غفلت کرده‌اند،

تمنایی از جنس؛ خواب اما بیدار. ...

زمان حکم تنهایی ام چه قدر طولانی است؟

حکم مرا زود اجرا کردند!

باورم نمی‌شد! حکم قصاص این روزهای آخرم را تنهایی ام مهر بزند، و در تاریکی شب، به دنبال سایه‌ای بگردم که یک زمانی حرف‌های دلش آرام جان من بود!

اما پیدا اش نمی‌کنم، نمی‌دانم کجاست؟

چه قدر نامرد است این سایه‌ی صعب‌العبورم!

تنهاییم گذاشت، به همین راحتی... .

از کجا معلوم!

کسانی که دوست‌شان دارم، جانم را فدای‌شان می‌کنم، با خنده‌های‌شان می‌خندم، با گریه‌های‌شان می‌گریم.

از کجا معلوم.

ای کاش می‌شد، مرا با خوابی عمیق تنبیه کنند.

در آن زمان بود که می‌دانستم که حکم قصاص من همین است و بس.

روزگار مرا محکوم، به حکمی کرده است که می داند نامردی است!
می داند بی وجدانی است، می داند بی وفایی است، می داند خیا است. و می داند اجباری است.
در همین زمان است که خودت را می بینی. باخت نداده ای؛

نه زندگی را، نه پول را.

نه خانواده را، نه عشقت را،

و نه دوستانت را. ...

نگاهی به خودت بی انداز!

در آینه به خودت نگاه کن.

فقط به خودت.

در آینه چه می بینی!

خودت را یا خود از دست رفته ات را؟

«پایان»

کافه نویسندگان انتشارات دیجیتال کتاب متنی و صوتی

اگر تصمیم دارید کتابتان را چاپ کنید یا به تازگی اثری را شروع کنید و آن را به چاپ برسانید، به مجموعه کافه نویسندگان پیوندید

✓ نقد و نظارت و راهنمایی رایگان

کافه نویسندگان در راستای نگارش اثری مطلوب به شما یاری می دهد و از ابتدای نگارش یک اثر تا انتهای آن همراه شما خواهد بود. اثر شما در انجمن ما به طور رایگان نقد می شود و شما می توانید با کمک از نقد خود، اثرتان را ویرایش کنید و ایرادها را اصلاح کنید و به این صورت سطح اثرتان را بالا ببرید و شانس بیشتری برای چاپ داشته باشید.

✓ ویراستاری رایگان

اثر شما به صورت رایگان از نظر نگارشی ویرایش می شود و رعایت علائم نگارشی و نکات ویراستاری برای شما یک امتیاز مثبت محسوب می شود. ✓ برگزاری ورکشاپ و کارگاه های آموزشی آنلاین به صورت رایگان در انجمن نویسندگی کافه نویسندگان

شما می توانید به صورت کاملا رایگان در کارگاه های آموزشی با سرفصل های متنوع شرکت کنید و شرکت برای عموم آزاد است، شما می توانید حتی از 0 شروع کنید و در انجمن کافه نویسندگان آموزش ببینید و اثرتان را به چاپ برسانید.

✓ مشاوره های رایگان

ما برای تمام مراحل از نگارش کتاب تا چاپ و تولید آن به صورت رایگان به شما مشاوره خواهیم داد. ما با مشاوره سعی خواهیم کرد بهترین نتیجه را از اثر خود بگیرید.

✓ در کافه نویسندگان هرگز دلسرد نخواهید شد!

اگر اثر شما جهت چاپ تایید نشود، کتاب شما به صورت رسمی در سایت اصلی به صورت دیجیتال منتشر خواهد شد. خبر خوب این است که می توانید نسخه ی فروشی با قیمت توافقی خودتان را هم در فروشگاه اینترنتی کافه نویسندگان انتشار دهید و به آسانی فروش اثر خود را کنترل کنید.

✓ نیازی به پرداخت هزینه ی بالای کاغذ ندارید.

با توجه به هزینه ی بالای کاغذ و چاپ، انتشار الکترونیک بهترین گزینه است اما ما در کنار انتشار الکترونیک، چاپ رایگان هم برای شما عزیزان خواهیم داشت.

فکر آن که خودتان برای چاپ کتاب خرج کنید را از سرتان بیرون کنید، چرا که انتشاراتی که به هزینه ی نویسنده اثری را چاپ می کنند منجر به فروش نرسیدن آثار و جمع آوری کتاب ها در انباری و ضرر و زیان می شود، ما با مشاوره و راهنمایی سعی می کنیم همه چیز به نفع شما تمام شود و در کافه نویسندگان ریسکی نخواهید کرد.

✓ اعتماد و اطمینان

اثر شما در انجمن ما محفوظ می باشد و اگر اثری را به ما می سپارید دست ما امانت است، انجمن کافه نویسندگان به تمامی حقوق نویسنده احترام می گذارد و آنان را رعایت می کند. توجه داشته باشید که سودجویان از آثار شما سو استفاده نکنند که سارقان ادبی نیز کم نیستند اما خوشبختانه در کافه نویسندگان می توانید اثرتان را با خیال راحت به دست ما بسپارید تا با اسم خودتان چاپ یا منتشر شود.

✓ مجوز رسمی از فرهنگ وزارت ارشاد اسلامی

تمامی فعالیت های مجموعه کافه نویسندگان به صورت قانونی و زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی صورت می گیرد.

✓ می توانید استعلام بگیرید!

در صفحه ی اصلی سایت و فروشگاه، قسمت پایین صفحه می توانید با کلیک بر روی نماد ها، استعلام معتبر بودن مجوز هارا مشاهده کنید.

✓ قرار داد با بهترین ناشران

ما با بهترین ناشران و معتبر ترین های کشور جهت چاپ رایگان آثار شما قرار داد بسته ایم. ما آثارتان را جهت چاپ برای انتشاراتی ها ارسال می کنیم و در راستای بهترین نتیجه و به ثمر رساندن تلاش هایتان همراه شما خواهیم بود. ما با توجه به نوع اثر و ژانر و محتوا، طبق شناخت انتشاراتی را جهت چاپ انتخاب می کنیم که با توجه به موارد ذکر شده شانس بیشتری داشته باشید،

برای مثال یک انتشارات بیشتر رمان های اجتماعی چاپ می کند، اگر اثر شما اجتماعی بود اثرتان را به آن انتشارات ارسال می کنیم.

✓ نویسندگی و چاپ در تمام زمینه ها

فعالیت انجمن نویسندگی ما محدود به رمان دلنوشته و شعر نیست بلکه کتاب های علمی ادبی، دینی، روانشناسی، داستانی، خودیاری، سفرنامه، خاطره نویسی، زندگینامه، داستان های کودکان و... تمامی زمینه های نویسندگی و کتاب فعالیت دارد.

"کافه نویسندگان بهترین گزینه برای به ثمر رساندن تلاش هایتان"

کافه نویسندگان به طور قانونی آثار نویسندگان را انتشار می دهد. در صورت تمایل به انتشار هر گونه اثر در مجموعه کافه نویسندگان به صورت متنی یا صوتی، با ما در ارتباط باشید.

شما می توانید اثر خود را به ایمیل پشتیبان ارسال کنید تا پس از بررسی های لازم منتشر شود.

انجمن: [/https://forum.cafewriters.xyz](https://forum.cafewriters.xyz)



وبسایت: [/https://cafewriters.xyz](https://cafewriters.xyz)



اینستاگرام: [cafewriters.xyz](https://www.instagram.com/cafewriters.xyz)



تلگرام: <https://t.me/cafewriters1402>



ایمیل پشتیبانی: poyamoinifar@gmail.com



پایان